

تبیین اثر میزان تحصیلات والدین بر خودپنداره دانش آموزان مقطع متوسطه بر اساس نقش میانجیگر کیفیت رابطه والد-فرزند □

Explaining the Effect of Parents' Level of Education on the Self-Concept of High School Students Based on the Mediating Role of Parent-Child Relationship Quality □

Arezoo-Sadat Maleknia, MSc
Kianoosh Hashemian, PhD □
Khadijeh Abolma'ali, PhD

آرزو سادات ملک نیا^۱
دکتر کیانوش هاشمیان^۱
دکتر خدیجه ابوالمعالی^۱

Abstract

چکیده

In order to explain the mediating role of the quality of parent-child relationship between parents' education on the self-concept of 391 students (195 girls and 195 boys), the statistical population of high school students in Tehran were selected by multi-stage cluster sampling. The study answered a questionnaire consisting of socioeconomic status, parent-child relationship assessment questionnaire and self-concept questionnaire. In this Peugeot hash, structural equation modeling method was used to analyze the data. The results showed that the total effect of father education ($p < 0.05$, $\beta = 0.163$) and mother education ($p < 0.05$, $\beta = 0.270$) on children's self-concept was positive and significant. The direct level of father education ($p < 0.01$, $\beta = 0.069$) on children's self-concept is positive and significant. Also, the effect of father-child relationship quality ($p < 0.01$, $\beta = 0.310$) and mother-child relationship quality - Child ($p < 0.01$, $\beta = 0.163$) has a positive and significant effect on the self-concept of children. Indirect effect of father's education ($p < 0.01$, $\beta = 0.069$) as opposed to indirect effect of mother's education on self-concept Children are positive and significant at the level of 0.01, and the quality of the father-child relationship, unlike the quality of the mother-child relationship, mediates the effect of education on students' self-concept.

Keywords: Parents' level of education, self-concept, quality of parent-child relationship

با هدف تبیین نقش میانجی کیفیت رابطه والد-فرزند بین تحصیلات والدین بر خودپنداره ۳۹۱ دانش آموز (۱۹۵ دختر و ۱۹۵ پسر) جامعه آماری دانش آموزان متوسطه شهر تهران با روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. نمونه مورد بررسی به پرسشنامه متشکل از پایگاه اقتصادی اجتماعی، پرسشنامه ارزیابی رابطه والد-فرزند و پرسشنامه خودپنداره پاسخ دادند. در این پژوهش از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شد. نتایج نشان داد که اثر کل، میزان تحصیلات پدر ($\beta = 0.163$, $p < 0.05$) و میزان تحصیلات مادر ($\beta = 0.270$, $p < 0.05$) بر خودپنداره فرزندان مثبت و معنادار است. اثر غیرمستقیم میزان تحصیلات پدر ($\beta = 0.069$, $p < 0.01$) بر خودپنداره فرزندان مثبت و معنادار است. همچنین اثر کیفیت رابطه پدر-فرزند ($\beta = 0.310$, $p < 0.01$) و کیفیت رابطه مادر-فرزند ($\beta = 0.163$, $p < 0.01$) بر خودپنداره فرزندان مثبت و معنادار است. اثر غیرمستقیم میزان تحصیلات پدر ($\beta = 0.069$, $p < 0.01$) برخلاف اثر غیرمستقیم میزان تحصیلات مادر بر خودپنداره فرزندان مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار است و کیفیت رابطه پدر-فرزند برخلاف کیفیت رابطه مادر-فرزند اثر مثبت و معنادار بر خودپنداره دانش آموزان را میانجیگری می کند.

کلیدواژه‌ها: میزان تحصیلات والدین، خودپنداره، کیفیت

رابطه والد-فرزند

□ Department of Psychology, Islamic Azad University, Rodehen Branch, Rodehen, Iran.

□ Email: hashemian_kianoosh@yahoo.com

□ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۵/۲۶ تصویب نهایی: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰
۱. گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران

● مقدمه

یکی از متغیرهای مؤثر در خودپنداره پایگاه اقتصادی و اجتماعی است که به معنای رتبه بندی افراد در اجتماع براساس شاخصه های عینی و ذهنی اطلاق می گردد. پایگاه اقتصادی- اجتماعی توسط متغیرهایی مانند وضعیت شغلی، تحصیلات، درآمد، میزان اموال، منطقه مسکونی و منزلت اجتماعی مورد سنجش قرار می گیرد (فتحی، میرزاپوری و لوکلا، ۱۳۹۵). سواد و تحصیلات خانواده یکی از عوامل پیشرفت بشر در جهان امروز است. بی سواد در تمام ابعاد زندگی انسان میتواند تأثیر بسزایی داشته باشد. در دیدگاه سیستمی خانواده ما می توانیم افراد را از طریق تعاملاتی که بین اعضاء صورت می گیرد، بهتر بشناسیم به این صورت که الگوی رفتاری یک عضو خانواده با دیگر افراد آن، به طور جدایی ناپذیری ارتباط متقابل دارد (کوری، ۱۳۹۰ به نقل از بهرامی؛ خوشبخت، ۱۳۹۴). سواد و تحصیلات والدین می تواند بر خودپنداره دانش آموز تأثیر داشته باشد. تحصیلات از دیدگاه اقتصادی، افراد را به سوی رشد در اجتماع هدایت می کند. تنها جوامعی می تواند مشکلات خود را در زمینه های بهداشت و آموزش را از میان بردارند که از سطح بالای سواد برخوردار باشند (میرپناهی، ۱۳۹۵). والدین تحصیل کرده به دلیل مشاغل بهتر از موقعیت بالاتر برخوردارند و این روی نگرش فرزندان نسبت به والدین و احساس امنیت و اعتماد به نفس آنها تأثیر می گذارد در نتیجه بهتر با محیط خود ارتباط برقرار می کند. البته تحصیلات به تنهایی نمی تواند عامل پیشرفت فرد شود اما تحصیلات می تواند موجب آگاهی بیشتر و قرار گرفتن در وضعیت اجتماعی، اقتصادی بالاتر گردد (هالت، ۱۳۸۷، به نقل از میرپناهی، ۱۳۹۵). نتایج تحقیق صورت گرفته توسط میرپناهی (۱۳۹۵) نشان داد که سطح سواد والدین بر یادگیری دانش آموزان شهر ایلام تأثیر مستقیم و معنی داری دارد. بنابراین می توان تحصیلات والدین را یکی از عوامل مؤثر بر شکل گیری خودپنداره مثبت تحصیلی در دانش آموزان به شمار آورد. نتایج تحقیق کوچکعلی (۱۳۹۷) و پژوهش کاوسیان و کدیور (۱۳۸۴) نشان داد تحصیلات والدین را سرآغاز و زیربنای پیشرفت جریان زندگی و خانواده برآورد کرد تا آنجایی که نقش به سزایی در درمان دانش آموزان با اختلال یادگیری دارد. بعلاوه تحقیقات تیمز در ایران نشان دهنده ارتباط مثبت بین پیشرفت دانش آموزان در ریاضیات و متغیرهای مربوط به خانواده مانند سطح تحصیلات والدین است (فاندامینی، کیامنش، قربانی، ۱۳۹۳).

متغیر دیگری که در این پژوهش بررسی شد ارتباط والد-فرزند است. مطالعات متعدد تأثیر کیفیت ارتباطات والد-فرزندی را بر وسعت و کیفیت ارتباطات اجتماعی فرزندان، معنادار پیش بینی کرده‌اند. بروز تحولات فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی چشمگیر، موجب شده است در سال‌های اخیر، ارتباطات کمتری بین فرزندان نوجوان و والدینشان برقرار شود. روانشناسان معتقدند، ارتباطات خانوادگی و روابط بین والدین و فرزندان خودپنداره فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد در واقع خودپنداره منعکس کننده میزان رضایت خاطر و خشنودی نوجوان، از تعامل و گفتگو با والدین است. یک خودپنداره خوب از نظر هانت (۱۹۹۷) موجب سازگاری بهتر نوجوانان با اجتماع می‌شود. دمن (۲۰۰۰) نشان داد، که خودپنداره نوجوان در خانواده جان می‌گیرد و هرگونه نابسامانی در محیط خانواده، باعث احساس ناامنی، عزت نفس پایین و خودپنداره‌های غیرمنطقی می‌شود. طی تحقیقات انجام شده، بازخوردهایی که کودکان در رابطه با توانایی‌های تحصیلی و اجتماعی از اطرافیان می‌گیرند، بر خودپنداره آنها تأثیر می‌گذارد (راتر، ۱۹۹۸؛ به نقل از تیلور، ۱۹۹۸؛ لوییچ، ۲۰۰۴؛ ایزا و همکاران، ۲۰۰۵؛ به نقل از بهرامی، خوشبخت، ۱۳۹۴).

خانواده، شبکه‌ای از ارتباط‌هاست که در آن والدین و کودکان دوسویه با هم در تعاملند و قادرند تأثیر بر یکدیگر داشته باشند. خانواده اولین و مهم‌ترین نظام اجتماعی است که بر شکلگیری خودپنداره و عزت نفس مؤثر است (محمدی، ۱۳۹۷). حفظ ارتباط مثبت بین والدین و نوجوان، می‌تواند یادگیری نوجوان را درباره مسائل مرتبط با شایستگی‌های اجتماعی تسهیل کند. زیرا، روابط متقابل با خانواده، نوجوان را به سوی اجتماعی شدن سوق می‌دهد (عراقی، ۱۳۸۷). فیتز پاتریک و کوئرر (۲۰۰۲) نشان دادند که خانواده با گفت و شنود محیطی را برای اعضای خود فراهم می‌کند که در آن افراد می‌توانند بدون هیچگونه محدودیتی، به بیان افکار، نظرات و احساسات خود در یک فضای کاملاً آزادی‌پسندانه. ارتباط خانوادگی از نوع گفت و شنود، به صورت مثبت و معناداری، به پیش‌بینی همه ابعاد خودپنداره می‌پردازد. خانواده‌ها با گفت و شنود، باعث افزایش سازگاری و خودپنداره در فرزندان می‌شوند (فیتز پاتریک و کوئرر، ۲۰۰۲؛ به نقل از بهرامی، خوشبخت، ۱۳۹۴).

سوزانا، بیانکا، کیت و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند بزرگسالان از جمله والدین نقش مهمی در پرورش خودپنداره دارند با وجود تفاوت در ارتباط بین والدین، معلم و دانش‌آموزان،

تفاوت چشمگیری در جوامع شهری و روستایی در رشد خود پنداره مشاهده نشد.

رشد خودپنداره کودکان و نوجوانان با تجارب والدین وابسته است و پیوند عمیق و رابطه عاطفی میان والدین حائز اهمیت بوده و این پیوند باعث پرورش حس خودباوری و اعتماد به نفس و فرزندان می شود (کاوسیان، کدیور، ۱۳۸۴). بررسی موسوی (۱۳۸۲) نشان داد عملکرد خانواده مهم ترین تأمین کننده شادکامی افرادند که به عنوان پناهگاهی در مقابل ناامنی محیط های بیرونی نقش خود را ایفاء می کنند (صالح زاده، فلاحی، رحیمی، ۱۳۹۵). دادگ و پتیت (۲۰۰۳) «رفتار والدین را یک عامل بیرونی مهمی عنوان کردند که با اتفاقاتی که در محیط زندگی فرزندان باهوش متوسط را درگیر می کند ارتباط دارد». دودگ، پتیت (۲۰۰۳): لانسفورد، دیتر، دکارت، دودگ، باتست و پتیت (۲۰۰۴): پاترسون، (۱۹۸۲) دریافتند در خانواده ای که فاقد روابط صمیمی باشد و مقررات بیش از اندازه باشد با مشکلات رفتاری در بچه ها در دوران رشد همراه می شود (اسکورینگا، نیوون هوجزن، کاسترو و ماتیس، ۲۰۱۵). سایکرلی، (۱۹۸۳)، ترول (۱۹۸۲) و فینگلمن (۱۹۹۶) بیان کردند «یک بخش مهمی از رابطه والد- فرزند بر مطالعات رشد فردی در قرن ۱۹ متمرکز می شود. یک رشد طولی از نظریه پویایی شخصیت است. به هرحال در دراز مدت، ارتباط والد و کودک در کودکی و نوجوانی برای ما مهم است و بیشتر دوره ای از چرخه زندگی است که به ندرت به آن توجه می شود». مطالعات صورت گرفته در زمینه رابطه والد- فرزند، نقش کلیدی آن را در سراسر زندگی فردی نشان می دهد (الینا و بوژنکو، ۲۰۱۱). در دوران کودکی ارتباط با والدین نوعاً یک ارتباط برجسته و یک طرحواره برای ارتباط با دیگران است. بچه ها اغلب به مهربانی، اطمینان مجدد و راهنمایی والدینشان معطوف می شوند (فورمن و بوهرمستر، ۱۹۸۵). در حالی که کودک رشد پیدا می کند، این ارتباط باید به صورت مناسب انتقال داده شود (آرنت، ۲۰۰۰). اگر این ارتباط منجر به شکست شود، می تواند به یک ارتباط خیالی و کاذب در بزرگسالی تبدیل شود و این دید به جهان تعمیم پیدا می کند (استیل، زن، مکینی و کلایف، ۲۰۱۸). پژوهش عسکری، جزایری (۱۳۹۷) اسماعیل پور، فرزانه (۱۳۹۷) نشان داد ایجاد محیط رابطه مدار در خانواده و تأمین نیازهای رشدی فرزند از مهم ترین مسئولیت های مادران است. همچنین الگوپذیری از مادر را در موفقیت تحصیلی مؤثر دانست و نشان داد که خانواده در سازگاری تحصیلی و عاطفی دانش آموزان تأثیر دارد.

رابطه والد فرزند و تحصیلات والدین می‌توانند بر خودپنداره دانش‌آموزان تأثیرگذار باشند. به نظر راجرز، خودپنداره یا خودانگاره قسمتی از میدان پدیداری است که به تدریج تغییر یافته و متمایز شده است. خودپنداره از باورهای ما درباره خودمان تشکیل شده است. خودپنداره بخشی از یک فرآیند دائمی است که بطور تدریجی اما مستمر و در تجربه‌های مربوط به میدان پدیداری به وجود می‌آید. بنابراین خودپنداره از طریق روبرو شدن‌های فرد با رویدادهای زندگی و تفسیر آنها بدست می‌آید (گنجی، گنجی، ۱۳۹۳). خودپنداره خوب طبق نظر هانت (۱۹۹۷) موجب سازگاری بهتر نوجوانان با اجتماع می‌شود. دومین (۲۰۰۰) نشان داد که خودپنداره نوجوان در خانواده جان می‌گیرد و هرگونه نابسامانی در محیط خانواده باعث احساس ناامنی عزت نفس پایین می‌شود (کاسیان، کدیور، ۱۳۸۴). خودپنداره کلی به میزان کلی ارزش اشاره دارد. (هارت، ۱۹۹۶) به عنوان مثال، خودارزیابی دانش‌آموز در حوزه علمی ممکن است با خودارزیابی در حوزه اجتماعی متفاوت باشد. در حالی که مفاهیم کلی خود نسبتاً پایدار باقی می‌ماند (بولوس، شاولسون، ۱۹۸۲). مفاهیم با دامنه خاص می‌تواند تحت تأثیر تجربیات ضمنی و دیگران قرارگیرد. در واقع، نوجوانان به خصوص در تغییرات خودپنداره آسیب‌پذیر هستند (هافمن، بالدوین، ۲۰۰۲). بنابراین خودپنداره اجتماعی، ساختار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. به طور کلی، جامعه‌شناسی ترجیح می‌دهد که به جای تنها بودن، فرد در جمع دیگران باشد (باس، چک، ۱۹۸۱). براساس آن میزان، دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند که روابط بسیاری را با هم داشته باشند (موتز، ولتین، آندرسون، بسول، ۲۰۰۹). حتی در دوران نوجوانی، زمانی که روابط همسالان به طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابد، احساس تعلق به خود در جامعه دیده می‌شود (بوخورست، سومتر، و سنتنبرگ، ۲۰۱۰). خودپنداره اجتماعی به استعداد اجتماعی دانش‌آموزان اشاره دارد. بدین ترتیب، یک دانش‌آموز با خودپنداره پایین اجتماعی، ترجیح می‌دهد فاصله بیشتری از اجتماع داشته باشد، در حالی که یک دانش‌آموز دارای خودکفایی اجتماعی می‌تواند به دنبال تعاملات اجتماعی نزدیک باشد (سوان سون، ۲۰۱۳). نریمانی، رشیدی، زردی (۱۳۹۶) طی پژوهشی نشان دادند که با افزایش خودپنداره و حمایت اجتماعی خانواده و سبک والدگری که نظارت کافی بدون تنبیه بدنی وجود داشته باشد باعث افزایش سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان خواهد شد. پژوهش حکیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) بیان‌کننده رابطه قوی احساس تعلق

به مدرسه با انگیزش پیشرفت و عملکرد تحصیلی است. گودناو (۱۹۹۳) معتقد است «دانش‌آموزی که احساس تعلق به مدرسه داشته باشد، خود را در فعالیت‌های مدرسه سهیم می‌داند و همین امر سبب انگیزه پیشرفت در رسیدن به اهداف مورد نظر مدرسه می‌شود (امیدی گرکانی، عصاره، ۱۳۹۶). اولسون، هوبنر و استانتون (۱۹۸۶) خودپنداره را ادراک فرد می‌دانند که از تجربه، نگرش و محیط اطراف شکل می‌گیرد. معتقدند خودپنداره یک ساختار نظری از توانایی بالقوه برای پیشگویی اعمالی است که فرد آن را انجام می‌دهد (صفایی مجد، ۱۳۹۶). خودپنداره نقش مهمی را در عملکردهای فرد، تعیین روابط با دیگران و موفقیت در زندگی ایفاء می‌کند (زارع جمال آبادی، ۱۳۹۲). نتایج تحقیق نعیمی، پیمان‌نیا (۱۳۹۳) نشان داد بین دو گروه پسران بزهکار در کانون اصلاح و تربیت اهواز و دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر اهواز از لحاظ جو عاطفی خانواده و خودپنداره تفاوت معنادار وجود داشت.

در پژوهش صورت گرفته توسط هوانگ، هو، نی، کویین و همکاران (۲۰۱۹) با هدف بررسی رابطه بین والدین و فرزندان و اعتیاد به اینترنت با تأثیر واسطه‌گر خودپنداره در نوجوانان چینی انجام شد. ۳۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی و راهنمایی در سنین ۱۳ تا ۱۸ سال (در نمرات ۱۲-۷) مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج نشان داد که رابطه والدین و فرزندان با خودپنداره و رابطه مستقیمی با اعتیاد به اینترنت دارد، در حالی که خودپنداره با اعتیاد به اینترنت در بزرگسالان رابطه منفی دارد. پژوهش صورت گرفته توسط کاواموتو (۲۰۲۰) با عنوان نقش تعدیل‌کننده سبک دل‌بستگی در رابطه بین خودپنداره و وضوح و عزت نفس اثرات متقابل معنی داری بین عزت نفس و اضطراب دل‌بستگی نشان داد. یعنی ارتباط مثبت بین عزت نفس و وضوح خودپنداره فقط در بین افراد با اضطراب کم دل‌بستگی یافت شد. این تحقیق اهمیت دل‌بستگی را در رشد نوجوانی و بزرگسالی نشان می‌دهد. در پژوهشی که پینسکتن و همکاران (۲۰۱۸) انجام دادند نشان داد که خودپنداره نقش بسیار مهمی در پیشرفت دانش‌آموزان دارد و موجب مقایسه بیرونی و درونی در افراد می‌گردد. پژوهش آکومولافه (۲۰۱۳) نشان داد که بین خودپنداره تحصیلی و عملکرد تحصیلی ارتباط مستقیم وجود دارد و می‌توان با استفاده از راهکارهای مشاوره مناسب آن را بهبود بخشید.

حالاییلا (۲۰۱۵) نشان داد خودپنداره مثبت پیشرفت تحصیلی بالاتری را به دنبال دارد. انگیزش درونی موجب خود پنداره مثبت شده و اضطراب امتحان خودپنداره را تضعیف می‌کند.

مروری بر پیشینه پژوهش، نشانگر این واقعیت است که علی رغم اهمیت تأثیر تحصیلات والدین و کیفیت فرزندپروری بر روی خودپنداره در تحقیقات داخلی و خارجی مطالعه‌ای صورت نگرفته است. پژوهش حاضر در نظر دارد تا با بررسی فرضیه‌های زیر به این مطالعه مهم بپردازد:

فرضیه اول: تحصیلات والدین به صورت معنادار بر خودپنداره دانش آموزان اثر دارد.
فرضیه دوم: کیفیت رابطه با والدین به صورت معنادار بر خودپنداره دانش آموزان اثر دارد.
فرضیه سوم: کیفیت رابطه با والدین اثر تحصیلات والدین بر خودپنداره دانش آموزان را میانجیگری می‌کند.

● روش

روش پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهشی از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. از ۵ منطقه شهری تهران از نظر جغرافیایی مناطق شمال، غرب و شرق به عنوان نمونه و از هر منطقه یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه انتخاب شدند. از بین مدارس، دانش آموزان در کلاس‌های اول، دوم، سوم و پیش دانشگاهی به روش طبقه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند.

ری کافو و مارکولایدز پیشنهاد می‌کنند که برای تعیین حجم نمونه در مدل‌یابی معادلات ساختاری بهتر است به ازای هر پارامتر بین ۵ تا ۳۵ نفر تعیین شوند (ری کافو و مارکولایدز، ۱۳۹۹؛ ترجمه ایزانلو و همکاران). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گروه نمونه ۳۹۱ دانش آموز (۱۹۵ دختر و ۱۹۵ پسر) با میانگین و انحراف استاندارد سنی $16/39 \pm 1/17$ حضور داشتند. رشته تحصیلی ۱۷۱ نفر از شرکت‌کنندگان (۴۳/۷ درصد) علوم تجربی، ۹۱ نفر (۲۳/۳ درصد) ریاضی، ۱۰۸ نفر (۲۷/۶ درصد) علوم انسانی و ۱۷ نفر (۴/۳ درصد) فنی حرفه‌ای بود. میانگین و انحراف استاندارد سن مادر شرکت‌کنندگان به ترتیب $42/28 \pm 6/32$ و میانگین و انحراف استاندارد سن پدر شرکت‌کنندگان به ترتیب $47/04 \pm 5/09$ بود. میزان تحصیلات پدر ۳۲ نفر (۸/۲ درصد) از شرکت‌کنندگان ابتدایی، ۵۹ نفر (۱۵/۱ درصد) راهنمایی، ۶۰ نفر (۱۵/۳ درصد) دبیرستان، ۳۹ نفر (۱۰/۰ درصد) دیپلم، ۵۲ نفر (۱۳/۳ درصد) فوق دیپلم، ۹۲ نفر (۲۳/۵ درصد) لیسانس و ۵۷ نفر (۱۴/۶ درصد)

فوق لیسانس و دکتری بود. میزان تحصیلات مادر ۵۰ نفر (۱۲/۸ درصد) از شرکت کنندگان ابتدایی، ۴۵ نفر (۱۱/۵ درصد) راهنمایی، ۷۳ نفر (۱۸/۷ درصد) دبیرستان، ۵۹ نفر (۱۵/۱ درصد) دیپلم، ۵۰ نفر (۱۲/۸ درصد) فوق دیپلم، ۸۶ نفر (۲۲/۰ درصد) لیسانس و ۲۸ نفر (۷/۲ درصد) فوق لیسانس و دکتری بود.

● ابزار

□ الف: پرسشنامه پایگاه اقتصادی-اجتماعی تیمز (۱۹۹۵): محتوای این آزمون شامل تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، میزان کتاب‌های موجود در خانه، میزان وسایل، امکانات آموزشی، رفاهی و میزان تمایل دانش‌آموز به ادامه تحصیل است. این پرسشنامه تحصیلات والدین (متغیر برون‌زا) را مورد بررسی قرار می‌دهد.

پرسشنامه توسط تیمز در ۵۹ کشور دنیا، طی چهار سال برنامه‌ریزی منظم، در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۷ اجرا شده است. این پرسشنامه در ایران نیز توسط کیامنش و نوری (۱۳۷۷) اجرا شده است. در رابطه با روایی این پرسشنامه میتوان گفت که سانتراک (۲۰۰۸) تحصیلات را یکی از مؤلفه‌های این متغیر می‌داند. ولفولک (۲۰۱۱) از مؤلفه‌های تحصیلات، درآمد، شغل، سلامت و مسکن نام می‌برد. جامعه‌شناسان، طبقه اجتماعی- اقتصادی را برحسب درآمد، شغل، تحصیلات و اعتبار فرد در جامعه تعریف می‌کنند. چون این عوامل به هم گرایش دارند، یکی از مؤلفه‌های این دو متغیر اختصاص دادن پول کافی برای خرید وسایل رفاهی، سرگرمی و کمک آموزشی مانند کتاب و رفتن به کلاس‌های آموزشی، ورزشی و فرهنگی است (سانتراک، ۲۰۰۸). از آنجا که محتوای پرسشنامه جایگاه اجتماعی- اقتصادی با مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهشی بسیاری از صاحب‌نظران ذکر شده در بالا، هماهنگی بسیار زیادی دارد می‌توان گفت این پرسشنامه از روایی محتوایی بسیار بالایی برخوردار است (جنبشی، ۱۳۹۵).

□ ب: پرسشنامه ارزیابی رابطه والد- فرزند (PCRS): این پرسشنامه توسط مارک آ. فاین، جی. آر. مورلند و اندرو اسچووبل (۱۹۸۳) تدوین شد. پرسشنامه از ۲۴ گویه تشکیل شده است. دو فرم دارد برای سنجش رابطه فرزند با مادر و دیگری برای سنجش رابطه فرزند با پدر است. کیفیت ارتباط والد-فرزند (متغیر برون‌زا) با این پرسشنامه سنجیده می‌شود.

جدول ۱. مؤلفه‌های پرسشنامه، نسخه پدر

ردیف	خرده مقیاس	سؤالات
۱	احساسات مثبت	۲۴-۱۸، ۳، ۱۴
۲	درگیری و آمیختگی پدر	۱۶، ۱۰، ۹، ۶، ۲، ۱
۳	ارتباطات	۱۷-۱۵، ۸، ۷
۴	خشم	۱۳

جدول ۲. مؤلفه‌های پرسشنامه، نسخه مادر

ردیف	خرده مقیاس	سؤالات
۱	احساسات مثبت	۲۳-۱۵، ۷، ۶، ۳-۱
۲	تنفر / گم گشتگی نقش	۱۴-۹
۳	تعیین هویت	۲۴، ۲۱، ۳، ۱۳
۴	ارتباطات	۱۷-۱۵، ۸، ۷، ۵، ۴

نمره گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۷ نقطه‌ای می‌باشد. گویه‌های شماره ۹، ۱۳ و ۱۴ به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند و سپس نمرات گزینه‌ها جمع می‌شوند و بر تعداد گزینه‌های هر عامل تقسیم می‌شود. (میانگین هر خرده مقیاس) نمره کل، مجموع میانگین خرده مقیاس‌ها است.

روایی و پایایی: مقیاس رابطه والد- فرزند با ضرایب آلفای ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ و ضرایب آلفای ۰/۶۱ (همانندسازی) تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به مادر نیز آلفای کلی ۰/۹۶ همسانی درونی عالی دارد، این ضرایب آلفا را سازندگان مقیاس با اجرای پرسشنامه بر ۲۴۱ دانشجو به دست آورده‌اند. در پژوهشی که پرهیزگار (۱۳۸۱) انجام داده است ضرایب پایانی محاسبه شده برای پرسشنامه فرم پدر برابر با ۰/۹۳ و برای فرم مادر ۰/۹۲ بوده است که نشان‌دهنده همسانی درونی خوبی است (عراقی، ۱۳۸۷).

□ ج: پرسشنامه خودپنداره راج کمارساراسوت (۱۹۵۷): در این پژوهش به منظور سنجش عملیاتی متغیر خودپنداره از ۴۸ سؤال استفاده شده که دارای شش بعد جداگانه شامل خودپنداره جسمانی، اجتماعی، عقلانی، اخلاقی، آموزشی و خلق و خو است که از مجموع آنها خودپنداره کلی به دست می‌آید. پاسخگو پنج انتخاب دارد و طبق توصیف خودپنداره

و براساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت از حداکثر قبول تا حداقل آن یکی را انتخاب نماید. خودپنداره (متغیر میانجی درونزا) است که شامل اجتماعی، جسمانی، خلق و خو، آموزش، اخلاقی و عقلانی می‌باشد.

پاسخ‌ها به ترتیبی هستند که نظام نمره‌گذاری برای کلیه سؤالات یکسان می‌ماند، یعنی ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ اعم از این که سؤال مثبت یا منفی باشد. نمره بالا خودپنداره بالاتر و نمره پایین خودپنداره پایین تری را نشان می‌دهد.

پایایی: پایایی پرسشنامه با روش آزمون مجدد به دست آمد و برای نمره کل خودپنداره ۹۱٪ بود. ضریب پایایی ابعاد گوناگونی از ۰/۶۷ تا ۰/۸۸ بوده است.

جدول ۳. پایایی پرسشنامه خودپنداره

شماره رمز	بعد خود پنداره	تعداد سؤالات	ضرایب پایایی
الف	جسمانی	۸	۰/۷۷
ب	اجتماعی	۸	۰/۸۳
ج	خلق و خو	۸	۰/۷۹
د	آموزشی	۸	۰/۸۸
ه	اخلاقی	۸	۰/۶۷
و	عقلانی	۸	۰/۷۹
	خود انگاره کلی	۴۸	۰/۹۱

روایی: برای تعیین روایی پرسشنامه از نظر متخصصین استفاده شده است. ۱۰۰ سؤال به ۲۵ روانشناس داده شد تا آنها را بر حسب موضوعات مختلف طبقه بندی کنند. سؤالاتی انتخاب شدند که حداقل ۰/۸۰ توافق درباره آنها وجود داشته است. به این ترتیب روایی محتوا و سازه پرسشنامه تعیین گردید.

پرسشنامه خودپنداره با ۱۰۰۰ دانش آموز از ۲۰ دبیرستان دهلی اجرا و استاندارد شد. این دانش آموزان از کلاس‌های ۹ و ۱۰ از سنین ۱۴ تا ۱۸ و از هر دو جنس بودند (ساراسوت، ترجمه کرمی، ۱۹۵۷).

● یافته‌ها

جدول ۴ میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین میزان تحصیلات والدین، کیفیت رابطه والد- فرزند، مؤلفه‌های خودپنداره (اجتماعی، جسمانی، خلق و خو، آموزشی،

اخلاقی و عقلانی) را نشان می دهد.

جدول ۴. یافته های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای حقیقی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. تحصیلات پدر [□]	-									
۲. تحصیلات مادر	۰/۷۵۸**	-								
۳. کیفیت رابطه پدر-فرزند	۰/۲۰۶**	۰/۱۸۳**	-							
۴. کیفیت رابطه مادر-فرزند	۰/۰۹۲	۰/۰۶۱	۰/۳۵۵**	-						
۵. خودپنداره-جسمانی	۰/۲۷۱**	۰/۳۰۴**	۰/۳۲۹**	۰/۲۴۸**	-					
۶. خودپنداره-اجتماعی	۰/۲۴۳**	۰/۲۷۳**	۰/۲۷۵**	۰/۲۱۴**	۰/۵۶۳**	-				
۷. خودپنداره-خلق و خو	۰/۳۳۲**	۰/۳۴۶**	۰/۳۶۶**	۰/۲۱۹**	۰/۶۷۱**	۰/۵۵۷**	-			
۸. خودپنداره-آموزشی	۰/۱۳۷**	۰/۱۴۷**	۰/۳۱۳**	۰/۲۵۸**	۰/۴۶۸**	۰/۵۸۱**	-			
۹. خودپنداره-اخلاقی	۰/۲۴۰**	۰/۲۳۱**	۰/۲۶۲**	۰/۱۴۵**	۰/۴۴۲**	۰/۴۵۲**	۰/۳۸۹**	-		
۱۰. خودپنداره-عقلانی	۰/۲۹۹**	۰/۳۶۰**	۰/۳۴۱**	۰/۲۱۵**	۰/۶۴۶**	۰/۵۶۴**	۰/۶۴۹**	۰/۵۳۵**	۰/۵۰۹**	-
میلگین	-	-	۱۱۳/۹۷	۱۱۶/۸۶	۲۷/۵۷	۲۶/۲۴	۲۶/۹۶	۲۵/۸۷	۲۵/۱۲	۲۶/۴۹
انحراف استاندارد	-	-	۱۶/۲۱	۲۴/۶۵	۶/۵۴	۴/۵۶	۶/۰۸	۶/۳۹	۴/۶۵	۵/۳۸

*p<0/05 **p<0/01

□ پیش از محاسبه ضرایب همبستگی داده های مربوط به تحصیلات والدین ((ابتدایی (۰)، راهنمایی (۱)، دبیرستان (۲)، دیپلم (۳)، فوق دیپلم (۴)، لیسانس (۵) و فوق لیسانس و دکتری (۶) dummy شد.

جدول ۴ نشان می دهد که کیفیت رابطه پدر- فرزند و مادر- فرزند به همراه میزان تحصیلات والدین با همه مؤلفه های خودپنداره به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۱ همبسته بودند. در این پژوهش مفروضه نرمال بودن توزیع داده های تک متغیری، از طریق ارزیابی مقادیر کشیدگی و چولگی تک تک متغیرها مورد بررسی قرار گرفت و ملاحظه شد که ارزش های کشیدگی و چولگی متغیرها در محدود ± ۲ قرار دارد. مفروضه هم خطی بودن به کمک عامل تورم واریانس (VIF) و ضریب تحمل مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که مقادیر ضریب تحمل متغیرهای پیش بین بزرگتر از ۰/۱ و مقادیر عامل تورم واریانس آنها کوچکتر از ۱۰ است. همچنین به منظور ارزیابی برقراری/عدم برقراری مفروضه نرمال بودن توزیع چند متغیری، اطلاعات مربوط به «فاصله مهلنوبایس (D)» بررسی شد. با توجه به مقادیر چولگی و کشیدگی نمرات فاصله مهلنوبایس (که به ترتیب برابر با ۱/۲۸۵ و ۱/۸۰۴ بودند) چنین نتیجه گیری شد که مفروضه نرمال بودن توزیع چند متغیری در بین داده های پژوهش حاضر برقرار است. در نهایت بررسی ماتریس های نمودار پراکندگی و نمودار پراکندگی واریانس های استاندارد شده خطاها نشان داد که به ترتیب مفروضه های خطی بودن

روابط و همگنی واریانس‌ها در بین داده‌های پژوهش حاضر برقرار است.

تحلیل مدل

□ الف: مدل اندازه‌گیری: در پژوهش حاضر خودپنداره تنها متغیر مکنون مدل بود که فرض شده بود به وسیله نشانگرهای خودپنداره اجتماعی، جسمانی، خلق و خو، آموزشی، اخلاقی و عقلانی سنجیده می‌شود. چگونگی برازش مدل اندازه‌گیری پژوهش به وسیله تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از نرم افزار AMOS 18.0 و برآورد بیشینه احتمال (ML) مورد ارزیابی قرار گرفت. شاخص مجذور کای ($\chi^2(N=391, df = 9) = 11/14, p < 0/01$) در سطح ۰/۰۵ غیرمعنادار بود. این یافته بیانگر آن است که مدل اندازه‌گیری به صورت مطلوب با داده‌های گردآوری شده برازش دارد. با توجه به عدم معناداری شاخص مجذور کای دیگر شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری مورد بررسی قرار نگرفت. جدول ۵ بارهای عاملی استاندارد هر یک از نشانگرهای متغیرهای مکنون در مدل اندازه‌گیری را نشان می‌دهد.

جدول ۵. پارامترهای مدل اندازه‌گیری در تحلیل عاملی تاییدی

متغیرهای مکنون - نشان گر	b	SE	β	t
خودپنداره - جسمانی	۱		۰/۸۰۸	
خودپنداره - اجتماعی	۰/۶۰۰	۰/۰۴۲	۰/۶۹۷	۱۴/۳۹**
خودپنداره - خلق و خو	۰/۹۳۷	۰/۰۵۴	۰/۸۱۵	۱۷/۴۴**
خودپنداره - آموزشی	۰/۸۲۷	۰/۰۵۹	۰/۶۸۵	۱۴/۰۹**
خودپنداره - اخلاقی	۰/۵۱۱	۰/۰۴۴	۰/۵۸۱	۱۱/۶۲**
خودپنداره - عقلانی	۰/۸۱۷	۰/۰۴۸	۰/۸۰۴	۱۷/۱۴**

بارهای عاملی استاندارد نشده مربوط به نشانگر خودپنداره جسمی با عدد ۱ تثبیت شده، بنابراین خطای استاندارد و نسبت بحرانی آنها محاسبه نشده است.

** $p < 0/01$

براساس نتایج جدول ۵ بالاترین بار عاملی ($\beta = 0/815$) متعلق به نشانگر خودپنداره خلق و خو و پایین‌ترین بار عاملی ($\beta = 0/581$) متعلق به نشانگر خودپنداره اخلاقی است. از آنجا که بارهای عاملی همه نشانگرها بالاتر از ۰/۳۲ بود، بنابراین منطبق بر دیدگاه تاباچینک و فیدل (۲۰۰۷) همه نشانگرها از توان لازم برای سنجش متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردارند.

□ ب: مدل ساختاری: در مدل ساختاری پژوهش حاضر چنین فرض شده بود که

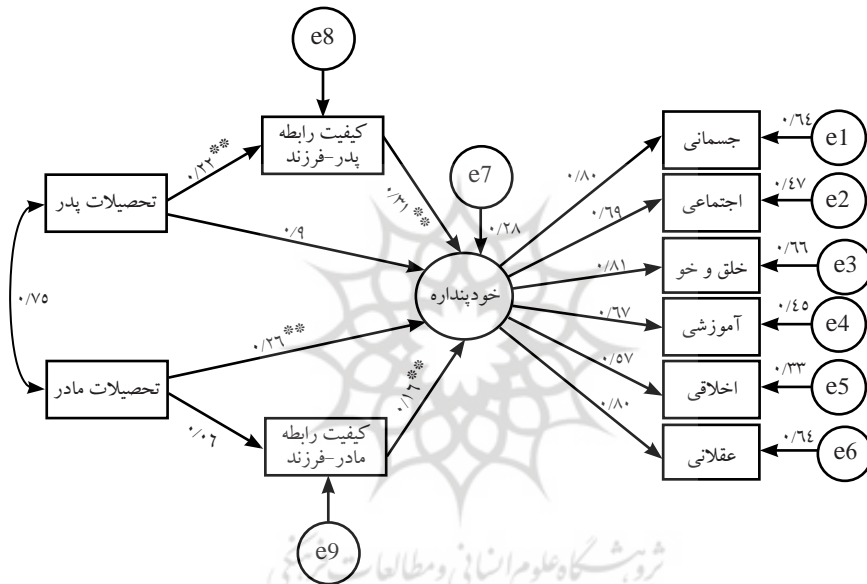
تحصیلات والدین هم به صورت مستقیم و هم با میانجیگری کیفیت رابطه با والدین بر خودپنداره دانش آموزان اثر دارد. چگونگی برازش مدل ساختاری با استفاده از نرم افزار AMOS 18.0 و برآورد بیشینه احتمال (ML) مورد ارزیابی قرار گرفت. بر خلاف شاخص مجذور کای ($\chi^2(N=391, df = 32) = 91.14, p < 0.01$) که در سطح 0.01 معنادار بود و از برازش قابل قبول مدل با داده‌ها حمایت نمی‌نمود، شاخص‌های برازندگی دیگر از قبیل مجذور کای نرم شده ($\chi^2/df = 2.85$) شاخص برازندگی تطبیقی (CFI=0.962)، شاخص نکویی برازش (GFI=0.958)، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA=0.069) و شاخص تعدیل شده برازندگی (AGFI=0.927) از برازش مطلوب مدل ساختاری با داده‌ها حمایت نمودند. در ادامه جدول ۶ ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۶. ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم بین میزان تحصیلات والدین، کیفیت رابطه والد-فرزند و خودپنداره

مسیرها	b	S.E	β	p
اثر کل میزان تحصیلات پدر ← خودپنداره	۰/۴۳۶	۰/۲۱۸	۰/۱۶۳	۰/۰۴۷
اثر کل میزان تحصیلات مادر ← خودپنداره	۰/۷۵۳	۰/۲۰۷	۰/۲۷۰	۰/۰۰۱
اثر مستقیم میزان تحصیلات پدر ← خودپنداره	۰/۲۵۳	۰/۲۰۹	۰/۰۹۵	۰/۲۲۳
اثر مستقیم میزان تحصیلات پدر ← خودپنداره	۰/۷۲۵	۰/۲۱۶	۰/۲۶۰	۰/۰۰۱
اثر کیفیت رابطه پدر-فرزند ← خودپنداره	۰/۰۹۹	۰/۰۱۸	۰/۳۱۰	۰/۰۰۱
اثر کیفیت رابطه مادر-فرزند ← خودپنداره	۰/۰۳۴	۰/۰۱۱	۰/۱۶۳	۰/۰۰۱
اثر غیر مستقیم میزان تحصیلات پدر ← خودپنداره	۰/۱۸۴	۰/۰۵۴	۰/۰۶۹	۰/۰۰۱
اثر غیر مستقیم میزان تحصیلات مادر ← خودپنداره	۰/۰۲۸	۰/۰۲۷	۰/۰۱۰	۰/۲۴۴

جدول ۶ نشان می‌دهد که اثر کل (مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم) میزان تحصیلات پدر ($\beta = 0.163, p < 0.05$) و میزان تحصیلات مادر ($\beta = 0.270, p < 0.05$) بر خودپنداره فرزندان مثبت و به ترتیب در سطوح 0.05 و 0.01 معنادار است. بنابراین در آزمون فرضیه اول چنین نتیجه‌گیری شد که میزان تحصیلات هر دو والد به صورت مثبت و معنادار بر خودپنداره دانش آموزان اثر دارد. همچنین جدول فوق نشان می‌دهد که اثر کیفیت رابطه پدر-فرزند ($\beta = 0.310, p < 0.01$) و کیفیت رابطه مادر-فرزند ($\beta = 0.163, p < 0.01$) بر خودپنداره فرزندان مثبت و در سطح 0.01 معنادار است. بر این اساس در آزمون فرضیه دوم

چنین نتیجه گیری شد که کیفیت رابطه هر دو والد به صورت مثبت و معنادار بر خودپنداره دانش آموزان اثر دارد. در نهایت نتایج نشان می دهد که اثر غیرمستقیم میزان تحصیلات پدر ($\beta=0/069, p<0/01$) برخلاف اثر غیرمستقیم میزان تحصیلات مادر بر خودپنداره فرزندان مثبت و در سطح $0/01$ معنادار است. به همین دلیل در آزمون فرضیه سوم چنین نتیجه گیری شد که کیفیت رابطه پدر- فرزند بر خلاف کیفیت رابطه مادر- فرزند اثر میزان تحصیلات بر خودپنداره دانش آموزان را میانجیگری می کند. شکل ۱ پارامترهای استاندارد در مدل ساختاری پژوهش را نشان می دهد.



شکل ۱. پارامترهای استاندارد در مدل ساختاری پژوهش

شکل ۱ نشان می دهد که مجذور همبستگی های چندگانه برای متغیر خودپنداره برابر با $0/28$ به دست آمده است. این مطلب بیانگر آن است که در مجموع، میزان تحصیلات والدین به همراه کیفیت رابطه با آنان ۲۸ درصد از واریانس خودپنداره دانش آموزان را تبیین می کند.

● بحث

هدف مطالعه حاضر تبیین اثر میزان تحصیلات والدین بر خودپنداره دانش آموزان مقطع متوسطه براساس نقش میانجیگر کیفیت رابطه والد- فرزند بود. در آزمون فرضیه اول چنین نتیجه گیری شد که میزان تحصیلات هر دو والد به صورت مثبت و معنادار بر خودپنداره

دانش‌آموزان اثر دارد. یعنی هر چه والدین از تحصیلات بالاتری برخوردار باشند فرزندانشان به دلیل اهمیت خانواده به امر تحصیل فرزندان از خودپنداره بالایی برخوردارند که سواد والدین خود پنداره تحصیلی فرزندان را بیشتر تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین والدین دارای تحصیلات بالای دانشگاهی دارای فرزندان با خودپنداره مثبت هستند، نتیجه این فرضیه با تحقیقات تیمز، میرپناهی (۱۳۹۵) و کاوسیان و کدیور (۱۳۸۴) همسو بود.

در آزمون فرضیه دوم چنین نتیجه‌گیری شد که کیفیت رابطه هر دو والد به صورت مثبت و معنادار بر خودپنداره دانش‌آموزان اثر دارد. هرچه رابطه والدین با فرزندان بهتر باشد خودپنداره بالاتری را در فرزندان شکل می‌دهد. نتیجه این فرضیه با پژوهش فیتز پاتریک و کوثرنر (۲۰۰۲)، بهرامی و خوشبخت (۱۳۹۴) و موسوی (۱۳۸۲) همسو بود.

در آزمون فرضیه سوم چنین نتیجه‌گیری شد که کیفیت رابطه پدر- فرزند بر خلاف کیفیت رابطه مادر- فرزند اثر میزان تحصیلات بر خودپنداره دانش‌آموزان را میانجیگری می‌کند. بنابراین کیفیت رابطه پدر و فرزند بر خودپنداره با توجه به میانجیگری تحصیلات پدر تأثیرگذار است. پدرانی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند و دارای ارتباط خوبی نیز با فرزندان هستند، نقش مؤثری در ایجاد خودپنداره فرزندان دارند که این میانجیگری ارتباط با تحصیلات مادر هیچ تأثیری در شکل‌گیری خودپنداره مثبت در فرزندان نداشته است. در مورد نتیجه این فرضیه هیچگونه پیشینه نظری و عملی یافت نشده است.

● نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج فرضیه‌های تحقیق می‌توان تحصیلات پدر را با میانجیگری کیفیت ارتباط پدر با فرزند مؤثر بر خودپنداره دانش‌آموزان دانست. بنابراین سطح تحصیلات پدر بر روی کیفیت ارتباط او با فرزند مؤثر است و این تأثیر در جایگاه خود بر خودپنداره دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد. پدر و مادر با بالا بردن سطح آگاهی خود در زمینه چگونگی ارتباط با فرزند می‌توانند در شکل‌گیری خودپنداره مثبت در فرزندان تأثیرگذار باشند. سطح تحصیلات والدین هر کدام به تنهایی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده خودپنداره مثبت در فرزندان شوند.

پژوهش حاضر به طور کلی تأثیر سطح سواد والدین را بر خودپنداره مورد بررسی قرار داده است. پیشنهاد می‌گردد تا نسبت به تأثیر آن با توجه به تفکیک جنسیتی (دختر- پسر) و

همسو با جنس والد موافق مورد بررسی قرار گیرد.

این پژوهش سطح تأثیرگذاری تحصیلات والدین را در سطوح مختلف بررسی نکرد، پیشنهاد می‌گردد تا نسبت به تأثیر هر سطح تحصیلات پژوهشی مجزا صورت پذیرد تا بطور دقیق معین گردد این تأثیر بر روی خودپنداره تا چه سطحی از تحصیلات است.

در این مقاله سعی بر این بود تا تأثیر تحصیلات را با میانجیگری کیفیت ارتباط والد-فرزند سنجیده شود. پیشنهاد می‌گردد این پژوهش با جایگزینی متغیر میانجی همچون سطح درآمد، عامل‌های شخصیتی والدین نیز مورد بررسی قرار گیرد.

● منابع

- امیدی گرگانی، مهسا، عصاره، علیرضا. (۱۳۹۶). مدل‌یابی تأثیر سبک‌های هویت بر احساس تعلق به مدرسه با میانجیگری خودپنداره تحصیلی در دانش‌آموزان دختر، *فصلنامه خانواده و پژوهش*، شماره ۳۷: ۱۳۵-۱۱۹.
- اسماعیل پور، خلیل، فرزانه، اکرم. (۱۳۹۷). پیش‌بینی سازگاری عاطفی و تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس ابعاد کارکردی خانواده، *نشریه علمی-پژوهشی آموزش و ارزشیابی*، شماره ۴۴: ۱۱۸-۱۰۳.
- بهرامی، محمود، خوشبخت، فریبا. (۱۳۹۴). نقش الگوهای ارتباطی خانواده در خودپنداره دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهر شیراز، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال ۱۱، شماره ۴۲: ۲۵۶-۲۳۷.
- جنبشی، عاطفه. (۱۳۹۵). *پرسشنامه پایگاه اقتصادی اجتماعی*: ۱-۳.
- ری کاف، تکنو و مارکولایزد، جورج ای. (۱۳۹۳). *مبانی مالیاتی معاملات ساختاری با تأکید بر برنامه‌های EQS, LISREL و MPLUS* ترجمه: ایزانلو، بلال؛ دهقانی، محسن و حبیبی عسکراآباد، مجتبی، تهران: رشد (انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۶).
- زارع جمال‌آبادی، محمود. (۱۳۹۲). بررسی رابطه خودپنداره و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه یزد، *کنفرانس بین‌المللی روانشناسی علوم تربیتی و رفتاری ۲۲ و ۲۳ تیرماه ۱۳۹۵ تهران*.
- صالح زاده، مریم، فلاحی، معصومه، رحیمی، مهدی. (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده دلبستگی به همسالان و عملکرد تحصیلی در پیش‌بینی شادکامی دختران نوجوان، *پژوهشنامه روانشناسی مثبت*، سال دوم، شماره چهارم، پیاپی ۸: ۷۸-۶۵.
- صفایی مجد، معصومه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین سلامت روانی و مهارت‌های اجتماعی و وضعیت اجتماعی خانواده بر کاهش پرخاشگری و خودپنداره در دانش‌آموزان ابتدایی سراوان، *دومین کنفرانس بین‌المللی*

علوم انسانی، مطالعات فرهنگی: ۱-۲۶.

عراقی، یحیی. (۱۳۸۷). بررسی کیفیت رابطه‌ی والد- فرزند در دو گروه از دانش‌آموزان پسر پرخاشگر و غیر پرخاشگر. *مطالعات روانشناختی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء (س)*، دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷: ۱۲۹-۱۱۳.

عسکری، زهرا؛ جزایری، رضوان السادات. (۱۳۹۷). رابطه والد- فرزند در مسیر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در خانواده‌های مادر سرپرست: یک پژوهش کیفی. *روانشناسی خانواده، دوره ۵*، شماره ۲: ۱۴-۳.

فتحی، سروش، میرزاپوری و لوکلا، جابر. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر مشارکت اجتماعی (مورد پژوهش: جوانان شهر بابل)، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال هفتم، شماره بیست و دوم، ۱۰۰-۸۷.

قائدامینی، رقیه؛ کیامنش، علیرضا؛ قربانی، رقیه. (۱۳۹۳). رابطه بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده، فعالیت‌های خواندن در خانه، خودپنداره و نگرش دانش‌آموزان به خواندن با عملکرد سواد خواندن، *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی سال یازدهم دوره دوم*، شماره ۱۴: ۱۰۳-۸۸.

کاوسیان، جواد، کدیور، پروین. (۱۳۸۴). نقش برخی عوامل خانوادگی در خودپنداره خانوادگی دانش‌آموزان دبیرستانی، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۹: ۹۱-۱۱۱.

کرمی، ابوالفضل، پرسشنامه خودپنداره، مرکز نشر روانسنجی، ۲-۱۳.

کوچکعلی، هادی. (۱۳۹۷). بررسی رابطه میزان تحصیلات والدین و درمان ابتلاء به اختلال یادگیری دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی، اولین کنفرانس ملی یافته‌های نوین حوزه یاددهی و یادگیری، دوره ۱.

گنجی، حمزه؛ گنجی، مهدی. (۱۳۹۳). *نظریه‌های شخصیت*، چاپ دوم، تهران: نشر ساوالان.

محمدی، طیب؛ صابر، سوسن. (۱۳۹۷). نقش واسطه‌ای خودپنداره در رابطه بین دلبستگی به والدین و همسالان با رفتارهای جامعه‌پسند، *فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی کاربردی*، دوره ۱۲، شماره ۳۴۷: ۴۱۷-۳۹۶.

میرپناهی، لیلا. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سطح سواد والدین بر یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی شهر ایلام، *فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵: ۳۰-۲۲.

نعامی، عبدالزهرا، پیمان‌نیا، بهرام. (۱۳۹۳). تحلیل نقش جو عاطفی خانواده بر خودپنداره در نوجوانان بزهکار، *مجله طب انتظامی*، دوره ۳ شماره ۳: ۱۴۰-۱۳۵.

نریمانی، محمد؛ رشیدی، جمال؛ زردی، بهمن. (۱۳۹۸). نقش خودپنداره کودکان، حمایت اجتماعی خانواده و

سبک والدگری در پیشبینی سرزندگی تحصیلی دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری خاص، مجله ناتوانی های یادگیری، دوره ۸ شماره ۳: ۱۱۲-۱۳۳.

- Akomolafe, Moyosola Jude, Ogunmakin, Abel Olufemi, Fasooto, Gbemisola Mary (2013). The Role of Academic Self-Efficacy, Academic Motivation and Academic Self-Concept in Predicting Secondary School Students' Academic Performance, *Journal of Educational and Social Research*, Vol. 3 (2), p 335-342.
- Elina, BoZhenco. (2011). Adult child-parent relationships: On the problem of classification, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 1625-1629.
- Huang, Simin., Hu, Yaqi., Ni, Qing, Qin, Yi, Lü, Wei (2019)., Parent-children relationship and addiction of adolescents: The mediating role of self-concept, *Current Psychology*, 1-8
- Kawamoto, Tetsuya. (2020). The moderating role of attachment style on the relationship between selfconcept clarity and self-esteem, *Personality and Individual Differences*, 152, p1-5.
- Khalaila, Rabia (2015) .The relationship between academic self-concept, intrinsic motivation, test anxiety, and academic achievement among nursing students: Mediating and moderating effects. *Nurse Education Today*, v35 (3), p 432-438.
- Pinxten Maarten1, Wouters Sofie, Preckel Franzis, Niepel Christoph4 , De Fraine Bieke1, & Verschueren Karine. (2018). The Formation of Academic Self-concept in Elementary Education: A Unifying Model for External and Internal Comparisons, *Contemporary Educational psychology*. p 1-37.
- Schuiringa, Hilde, van Nieuwenhuijzen, Maroesjka And de Castro, Bram Orobio, Matthys, Walter. (2015). Parenting and the parent-child relationship in families of children with mild to border line intellectual disabilities and externalizing behavior, *Research in Developmental Disabilities*, 1-12.
- Susana, Gavidia-Payne, Bianca, Denny, Kate, Davis , Andrew, Francis , Mervyn , Jackson. (2014) Children's self-concept: Parental school engagement and student-teacher relationships in rural and urban Australia, *Social Psychology of Education*, v18 (1), p121-136.
- Steele, Ellen, McKinney, Cliff. (2018). Emerging adult psychological problems and parenting style: Moderation by parent-child relationship quality, *Personality and Individual Differences*, 1-8
- Swanson, Karen Weller. (2013). The Role of Sociability Self-Concept in the Relationship between Exposure to and Concern about Aggression in Middle School, *RMLE Online* - Volume 36, No. 7, 1-10.